



گفت‌وگو با دکتر محسنیان‌راد
در باره تحقیق انجام‌شده پیرامون

ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی

□ آقای دکتر! با توجه به تفاوت‌ها و گوناگونی فرهنگ‌ها در میان کشورهای اسلامی، آنها را در این تحقیق، چگونه تعریف کرده‌اید؟

ما ناچار شدیم به یک دسته‌بندی جدید دست بزنیم. بنابراین، کشورهای اسلامی را به پنج گروه تقسیم کردیم: آفریقای عرب، آسیای عرب، آفریقای غیرعرب، آسیای غیرعرب و کشورهای اسلامی وابسته به اتحادیه جماهیر شوروی سابق.

این، دسته‌بندی جدیدی در دنیاست و ما از آن دفاع می‌کنیم. مثلاً در دسته‌بندی کشورهای آسیایی غیرعرب، کشورهای ترکیه و ایران در کنار کشورهای بنگلادش، برونئی و مالزی قرار می‌گیرند و همین تقسیم‌بندی، نشان می‌دهد که الزاماً «زبان» معیار کار ما نیست.

□ چه شد که به این دسته‌بندی رسیدید؟

ما با این موضوع، روبرو شدیم که شکل‌گیری رسانه‌ها و در واقع، نحوه ورود اسلام و اشتراکات فرهنگی سبب می‌شود که آفریقای عرب با آفریقای غیرعرب متفاوت باشد. آفریقای غیرعرب، کشورهایی هستند که زبان خود را از دست داده و بیشتر، انگلیسی و فرانسوی صحبت می‌کنند و بنابراین از رسانه‌های آن کشورها برخوردارند. در حالی که رسانه‌های کشورهای آفریقای عرب، به شدت با یکدیگر در ارتباطند و از همدیگر کمک می‌گیرند.

کشورهای اسلامی وابسته به شوروی

وقتی جنگ خلیج فارس درگرفت، جرماع اسلامی آنچه را که از این جنگ بر صفحه‌های تلویزیون خود می‌دیدند، عملاً تصاویری بود که از پشت سینک فیلمبرداران و خبرنگاران غربی دیده می‌شد. این امر، سابقه‌های بسیار دیرینه دارد. حتی دوران «کهنکشان گوتنبرگ» را نیز تا حدودی به همین‌گونه گذرانده‌ایم و شاید به همین دلیل است که دانشجویان روزنامه‌نگاری و علوم ارتباطات ما و بقیه نیز، سر کلاس‌های درس در مورد «لوموند»، «ایگاره» و «بی بی سی» بسیار می‌شنوند. ولی دوباره مطبوعات و رادیو و تلویزیون کشورهای اسلامی که اکثراً در گروه کشورهای عقب‌مانده و یا در حال توسعه می‌باشند، تقریباً هیچ نمی‌دانند.

نوشته فوق، بخشی از مقدمه کتاب «ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی»، حاصل یک کار پژوهشی است که به وسیله «دکتر مهدی محسنیان راد»، محقق و مدرس علوم ارتباطات و همکاران ایشان انجام شده است.

بررسی وضعیت ارتباطات در کشورهای اسلامی، بنا به احساس ضرورتی که به هنگام طراحی دوره دکتری رشته «فرهنگ و ارتباطات» دانشگاه امام صادق - علیه السلام - صورت گرفت، به عنوان یک کار تحقیقاتی به دکتر محسنیان‌راد محول شد و وی پس از دو سال، توانست به نتایج ارزشمندی در این حوزه دست یابد. با این وجود، وی معتقد است که «هنوز، کار، ناقص است». اگر چه تدریس «ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی» در دانشگاه امام صادق - علیه السلام - آغاز شده، اما هنوز کتاب آن منتشر نشده است.

در باره این پژوهش با پژوهشگر آن گفت‌وگو کرده‌ایم.

سابق، در آن زمان، تابع تئوری هنجاری خاصی بودند و وقتی که این کشورها مستقل شدند، باز همان «زمینه» و «شکل» قبلی را در درون خود حفظ کردند. هنوز آن نوع «نگاه از بالا به پایین» که حکومت نسبت به رسانه‌ها دارد، در کشورهای تازه استقلال یافته وجود داشته و از ذهنشان پاک نشده است. با توجه به چنین نکته‌ها و عواملی، کشورهای اسلامی را دسته‌بندی کردیم.

□ بررسی وضعیت ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی براساس چه شاخص‌ها و معیارهایی انجام شد؟

در یک بررسی که پیرامون میزان مصرف رسانه‌ها در کشورهای اسلامی در سطح جهان

■ دکتر محسنیان‌راد: در آیین

تحقیق، کشورهای اسلامی را به

پنج گروه تقسیم کردیم: آفریقای

عرب، آسیای عرب، آفریقای

غیرعرب، آسیای غیرعرب و

کشورهای اسلامی وابسته به

اتحادیه جماهیر شوروی سابق.

■ مطالعه ما نشان داد که در کره

زمین، هر فرد مسلمان، ۳/۵ سال و

هر فرد غیرمسلمان ۷ سال درس

خوانده است.

انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که یک نوع عقب‌ماندگی در میان آنها وجود دارد. منتها، مطمئن نبودیم که اولاً آیا این وضعیت، عقب‌ماندگی است و ثانیاً اگر عقب‌ماندگی است، نرمال یا بهنجار است یا خیر؟ در واقع، این پرسش از همان پرسش معروف «دورکیم» شکل گرفت. پاسخی برای بهنجار بودن یا نبودن این مقدار وجود نداشت.

از سوی دیگر، می‌دانید که حدود دو دهه قبل مطرح شده است که اگر در هر کشور، مثلاً تعداد روزنامه به ۱۰۰ نسخه در قبال ۱۰۰۰ نفر برسد، تعداد مناسبی است. اما پرسش ما این است که آیا با این مقیاس، می‌توان وضعیت ارتباطات را در کشورهای اسلامی بررسی کرد؟ این یکی از پرسش‌های مهم بخش اول تحقیق

بود. برای ساختن شاخصی درباره مصرف رسانه‌ها، این پرسش را طرح کردیم که در کره زمین، «مصرف رسانه‌ها» با چه عاملی یا عواملی، بیشترین «همبستگی» را دارد؟ چند متغیر را که حدس می‌زدیم یا مصرف رسانه‌ها، همبستگی داشته باشد، در نظر گرفتیم. در این میان، بحث شاخص توسعه انسانی - که از سال ۱۹۹۰ توسط کارشناسان سازمان ملل طرح و به کار گرفته شده است - مطرح شد. این شاخص، ترکیبی از سه عامل است:

اول شاخص سواد: این شاخص، الزاماً به معنای درصد تحصیلمکرده‌ها نیست؛ چرا که هستند کشورهایی که درصد تحصیلمکرده‌هایشان بالاست اما سطح سواد در کشور پایین است. سازمان ملل، شاخص سواد را ترکیبی از میانگین سواد مردم و درصد باسوادی در کشور دانسته است.

همین جا اشاره کنم که میانگین سواد در ایران، در حدود ۳/۹ سال است. یعنی میانگین سطح تحصیلات هر ایرانی در سطح چهارم ابتدایی است در حالی که در آلمان، این رقم، نزدیک به ۱۲ سال است.

دوم، شاخص «امید زندگی»: در واقع، انتظار طول عمر انسان در هر کشور است. خود این شاخص نیز تابع دو عامل «سطح تغذیه» و «وضعیت بهداشت و درمان» جامعه است و شاخص سوم، شاخص «تولید ناخالص ملی» است.

در سال ۱۹۹۴، بالاترین شاخص توسعه انسانی، متعلق به کانادا با ۰/۹۳۲ و پس از آن، سوئیس و کمترین نیز مربوط به کشور گینه با ۰/۱۹۱ و پس از آن کشورهای بوركینافاسو، سیرالئون، افغانستان و نیجر بوده است.

به این ترتیب، ضریب همبستگی شاخص توسعه انسانی و مصرف هریک از رسانه‌ها را در سطح جهان به دست آوردیم.

□ کشورهای اسلامی در کجای این طیف قرار داشتند؟

سازمان ملل، کشورهای دارای شاخص توسعه انسانی بالای ۰/۸۰۰ را کشورهای پیشرفته یا «توسعه بالا»، از ۰/۵۰۰ تا ۰/۷۹۹، کشورهای میانه یا «توسعه پایین» و ۰/۴۹۹ به پایین را کشورهای عقب‌مانده یا «توسعه پایین»

■ در دسته‌بندی کشورهای

آسیایی غیرعرب، کشورهای

ترکیه و ایران در کنار کشورهای

بنگلادش، برونئی و مالزی قرار

می‌گیرند و همین تقسیم‌بندی،

نشان می‌دهد که الزاماً «زبان»

معیار کار ما نیست.

■ این تحقیق به ما می‌گوید که

کشورهای اسلامی در میان

کشورهای عقب‌مانده، دارای

وضعیتی بدتر از کشورهای عقب

مانده غیراسلامی هستند.

■ وضعیت شاخص توسعه

انسانی در کشورهای اسلامی،

«تقریباً غیرعادی» است و

هماهنگی بیشتری در میان

کشورهای غیراسلامی دارد تا

کشورهای اسلامی.

□ بخش دوم کتاب، راجع به «حکومت و رسانه‌ها» است. رابطه میان این دو به چه شکل است؟

تأثیر حکومت‌ها بر رسانه‌ها در کشورهای اسلامی بیشتر از دیگر کشورهاست؛ به عبارت دیگر، رسانه‌های کشورهای اسلامی، نسبت به رسانه‌های کشورهای غیراسلامی بیشتر در بند هستند.

در جمع‌بندی این بخش، به این نکته می‌رسیم که در روابط میان حکومت‌ها و رسانه‌ها در کشورهای اسلامی، مشکل وجود دارد و سوء تغذیه رسانه‌ای تحت تأثیر تاریخ، بیشتر از کشورهای عقب‌مانده غیراسلامی است.

□ آقای دکتر! کارهای بزرگ با موانع بزرگ هم روبرو می‌شوند. شما با چه مشکلاتی در جریان کار روبرو شدید؟

خوب! در ابتدا فکر نمی‌کردم زمینه چنین موضوعی، بکر و کار ما ابداعی و تازه باشد. بنابراین جایی نبود که بتوان به آن رجوع و از نتیجه تحقیقاتش در زمینه ارتباطات در کشورهای اسلامی استفاده کرد. مسأله بعدی، ارتباط مستقیم حکومت با رسانه‌ها در بررسی ارتباط جمعی در یک کشور بود. وقتی وارد این حوزه می‌شویم، به اطلاعاتی نیاز پیدا می‌کنیم که برخی از آنها به سادگی به دست نمی‌آید. به این منظور، از محققان و اندیشمندان کشورهای اسلامی کمک گرفته شد.

از مشکلات دیگر این کار تحقیقاتی و نیز از ویژگی‌های آن، این بود که به یک منطقه جغرافیایی محدود نمی‌شد. پژوهش، مربوط به کشورهای اسلامی، فراتر از یک حوزه جغرافیایی و با ترکیب فرهنگ‌های پیچیده و گوناگون بود که تنها وجه اشتراک این فرهنگ‌ها، اسلام است و این خود نیز اشتراکی با تعریف‌ها و دیدگاه‌های متفاوت و مختلف است.

در پایان از کمک و همکاری تمامی کسانی که با سعی و تلاش خود انجام این طرح تحقیقاتی را ممکن ساختند، تشکر و قدردانی می‌کنم. □

کشورهای عقب‌مانده		کشورهای میانه		کشورهای پیشرفته	
غیراسلامی	اسلامی	غیراسلامی	اسلامی	غیراسلامی	اسلامی
۰/۳۵۱	۰/۲۵۹	۰/۶۵۶	۰/۶۶۶	۰/۸۷۰	۰/۸۱۵

غیرعادی» است و هماهنگی بیشتری در میان کشورهای غیراسلامی دارد تا کشورهای اسلامی.

□ مصرف رسانه‌ها در هر کشور، چگونه و با چه معیاری محاسبه شد؟

برای محاسبه مصرف رسانه‌ها در هر کشور، شاخص جدیدی به نام Mass Communication Index ابداع کردیم. به این ترتیب که بالاترین مصرف رسانه در جهان و نیز مصرف آن رسانه را در داخل هر کشور در نظر گرفته، با هم جمع کرده و بر چهار تقسیم می‌کنیم:

$$MCI = \frac{1}{4} \left(\frac{r}{R} + \frac{l}{T} + \frac{n}{N} + \frac{p}{P} \right)$$

P- مصرف سرانه مطبوعات
N- روزنامه
T- تلویزیون
R- رادیو

محاسبه مقدار مصرف رسانه‌ها MCI

کشورهای عقب‌مانده		کشورهای میانه		کشورهای پیشرفته	
غیراسلامی	اسلامی	غیراسلامی	اسلامی	غیراسلامی	اسلامی
۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۳۸	۰/۲۲

نتیجه، عددی بین صفر و یک خواهد شد. چیزی شبیه شاخص توسعه انسانی.

□ آیا ضرایب به دست آمده در کشورهای اسلامی، بهنجار است یا نه؟

همبستگی میان MCI، HDI شاخص توسعه انسانی سازمان ملل - ۰/۹ بود. پس شاخص MCI، قابل اطمینان و اتکاست.

به هر روز، ضرایب این مطالعات نشان داد که در کشورهای میانه و عقب‌مانده، هیچ‌یک از عوامل مورد بررسی ما، همبستگی قابل توجهی با مصرف رسانه‌ها ندارند. در حالی که در کشورهای پیشرفته، سه عامل درآمد، سطح تحصیلات و شاخص توسعه انسانی، همبستگی‌های قابل توجهی با مصرف رسانه‌ها دارند.

بنابراین به نظر می‌رسد که در کشورهای میانه و عقب‌مانده، عوامل پنهان دیگری وجود دارند که شاید کمی کردن آنها، امکان‌پذیر نباشد.

نامیده است. من در این تحقیق، این کشورها را به دو دسته «اسلامی» و «غیراسلامی» تقسیم کرده‌ام.

در واقع، این تحقیق به ما می‌گوید که کشورهای اسلامی در میان کشورهای عقب‌مانده، دارای وضعیتی بدتر از کشورهای عقب‌مانده غیراسلامی هستند.

توجه داشته باشید که یک درصد از کشورهای پیشرفته را، کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند. ۲۵ کشور از ۶۵ کشور در حال توسعه یا «توسعه متوسط»، کشورهای اسلامی و ۴۵ درصد کشورهای عقب‌مانده، کشورهای اسلامی‌اند. در واقع، ۲۵ کشور اسلامی، جزو کشورهای عقب‌مانده‌اند که چهار کشور از آنها در آسیا و ۲۱ کشور در آفریقا قرار دارند؛ یعنی نیمی از کشورهای مورد مطالعه ما. همچنین

مطالعه ما نشان داد که در کره زمین، هر فرد مسلمان، ۳/۵ سال و هر فرد غیرمسلمان ۷ سال درس خوانده است.

با توجه به نظریه «دانیل لرنر»، محقق آمریکایی، ضریب همبستگی بین شهرنشینی و سال‌های تحصیل را نیز بررسی کردیم و دیدیم که درصد بی‌سوادی و سال‌های تحصیل، بیشترین ضریب همبستگی را دارند. (۰/۹). یعنی کشورهایی که درصد با سوادان آن پایین باشد، سطح تحصیلات آن نیز پایین است. «امید به زندگی» و «سال‌های تحصیل» و سرانه محصول ناخالص ملی و سال‌های تحصیل نیز دارای ضریب همبستگی بالایی بودند. (۰/۹). در حالی که درصد شهرنشینی و سال تحصیل در بررسی لرنر، دارای ضریب همبستگی ۰/۷ است. پس این نظریه هم در تحقیق، جواب نداد.

به هر حال، مشخص شد وضعیت شاخص توسعه انسانی در کشورهای اسلامی، «تقریباً